

طراحی الگوی

«جایگزینی خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد اسلامی ایران»

solimani@isu.ac.ir

محمد سلیمانی / استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

ma.sarmast@isu.ac.ir

مهدی سرمست شوشتری / دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

چکیده

طراحی نظام مالیاتی منطبق با اصول اسلام، یکی از ضرورت‌های اقتصاد اسلامی است. در این زمینه جایابی وجوهات شرعی در نظام مالیاتی اهمیت بسزایی دارد. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی امکان و سازوکار جایگزینی خمس ارباح مکاسب به جای مالیات بر مجموع درآمد می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاکی از تشابه نسبی خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد و امکان جایگزینی آن دو است. بر اساس الگوی پیشنهادی در این مقاله، جایگزینی کامل خمس ارباح مکاسب به جای مالیات بر مجموع درآمد از کارایی لازم برخوردار نیست و باید تلفیقی از خمس و مالیات مزبور را به کار برد. در الگوی پیشنهادی مقاله، مؤدیان بین پرداخت خمس یا مالیات بر مجموع درآمد حق انتخاب دارند. آنان در صورت پرداخت خمس ارباح مکاسب، از پرداخت مالیات بر مجموع درآمد معاف خواهند شد. این ساختار پیشنهادی دلالت‌هایی برای اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و تغییر در ساختار اجرایی سازمان امور مالیاتی دارد.

کلیدواژه‌ها: خمس ارباح مکاسب، مالیات بر مجموع درآمد، نظام مالیاتی ایران، مالیات‌های اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: H24, H27, H61, P43

طی چهار دهه پس از انقلاب اسلامی ایران، اگرچه در برخی بخش‌ها همچون بانکداری اسلامی، مطالعاتی انجام شده و تلاش‌هایی نیز در عرصه عمل صورت گرفته، لیکن در بخش‌های دیگر، همچون نظام مالیاتی، مطالعات محدودی انجام شده است و در عمل نیز شاهد برخی نقاط ضعف در نظام مالیاتی هستیم که ناشی از نظام مالیاتی پیش از انقلاب اسلامی است. در جهت طراحی نظامی مالیاتی بر مبنای حدود شرعی و اهداف اسلامی، یکی از چیزهایی که لازم است محققان بدان توجه کنند مالیات‌های شرعی است. البته با توجه به شرایط و اقتضات دنیای امروز، همچون مرزهای جغرافیایی و دیگر پیچیدگی‌های دنیای معاصر، برخی از وجوهات شرعی همچون «جزیه» یا «خراج» در حال حاضر رایج نیست و حکومت‌ها یا فقها اقدام به جمع‌آوری آنها نمی‌کنند. با وجود این، برخی از وجوهات شرعی همچنان در بین مسلمانان رواج دارد و سالانه حجم عظیمی زیر نظر مراجع تقلید جمع تسهیل مهار تورم آوری و هزینه می‌شود. مهم‌ترین این وجوهات عبارتند از: خمس و زکات.

وجوهات شرعی بدین سبب می‌توانند به نظام مالیاتی راه یابند که جنبه حکومتی دارند و یک عبادت شخصی صرف تلقی نمی‌شوند و شارع این وجوهات را برای اداره جامعه توسط حاکم عادل وضع نموده است (موسوی خمینی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲-۳۳). در زمینه ورود مالیات‌های شرعی به نظام مالیاتی، پژوهشگران با سؤالاتی مواجه شده‌اند؛ از جمله اینکه آیا مالیات‌های شرعی باید به طور کامل جایگزین مالیات‌های متعارف شوند، یا این دو مکمل یکدیگرند و با فرض مکمل بودن، تقدم با کدام یک از آنهاست؟ دومین سؤال این است که با چه سازوکاری باید وجوهات شرعی به نظام مالیاتی و بودجه کشور ورود پیدا کند که هم جنبه‌های شرعی رعایت شود و هم نظامی کارآمد باشد؟ تاکنون چند تن از محققان پاسخ‌هایی برای سؤالات فوق ارائه کرده‌اند (کاشیان و همکاران، ۱۳۹۴؛ موحدی و رضایی، ۱۳۹۱، شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵ب).

اما موضوع این مقاله به‌طور خاص درباره مقایسه «خمس ارباح مکاسب» و «مالیات بر مجموع درآمد» است، و اینکه آیا این امکان وجود دارد خمس ارباح مکاسب جایگزین مالیات بر مجموع درآمد شود که در نظام‌های مالیاتی متعارف وجود دارد؟ از سوی دیگر، ضمن پاسخ این سؤال، باید به حل معضل پرداخت‌های مضاعف توسط افراد متدین توجه داشت و راه‌حلی برای آن یافت. پس از بررسی این موضوع، به این سؤال پرداخته خواهد شد که در صورت اثبات فرض جایگزینی خمس و مالیات بر مجموع درآمد، سازوکار عملیاتی ورود خمس به نظام مالیاتی و جایگزینی آن با مالیات بر مجموع درآمد چگونه خواهد بود؟

در تحقیق پیش‌رو، مسائل بیان شده با روش «اسنادی - کتابخانه‌ای» پاسخ داده خواهد شد. در این مقاله، پس از طرح مبانی نظری تحقیق، به سازوکار مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد متعارف اشاره خواهد شد و سپس بحثی فقهی درباره ابعاد حکومتی خمس خواهد آمد، و پس از آن شباهت‌های این دو (مالیات شرعی و متعارف) و مزیت خمس بر مالیات بر مجموع درآمد بررسی شده، در نهایت، سازوکاری برای ورود خمس به نظام مالیاتی بیان خواهد شد.

پیشینه پژوهش

رضایی و خادمی (۱۳۹۰)، با هدف بسط پایه مالیاتی و معرفی پایه‌های مالیاتی جدید، مالیات بر عایدی سرمایه را بررسی کرده، ضمن بررسی شرعی این پایه مالیاتی، به بررسی تطبیقی با الگوی مالیات‌های اسلامی می‌پردازند. نویسندگان این پژوهش به این نتیجه دست می‌یابند که خمس بر منافع سرمایه از حیث موارد تعلق بر سرمایه و پایه مالیاتی تشابه بسیاری با مالیات بر عایدی دارد. همچنین تفاوت عمده خمس با مالیات بر عایدی سرمایه در مشمول نبودن اشخاص حقوقی و قابل تغییر بودن برخی موارد (همچون نرخ مالیات، معافیت‌ها و سال مالیاتی) با توجه به اختیارات قانون‌گذار است.

کیاء/الحسینی (۱۳۹۰) به این سؤال پاسخ داده که پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی در نظام مالیاتی کنونی، با چه ملاحظات و چالش‌هایی روبرو است؟ وی ۱۸ ملاحظه را احصا نموده و بر اساس درجه اهمیت، رتبه‌بندی کرده است که از آن جمله، می‌توان به تهدید استقلال حوزه‌های علمیه، فقدان تقارن اطلاعات، عبادی بودن خمس و زکات، نبود قوانین منسجم و تعدد فتاوا، اشاره کرد.

رضایی و سبزو (۱۳۹۱) با در نظر گرفتن مشکل پرداخت مضاعف مالیات افراد متدین، با هدف رعایت عدالت و ترغیب افراد به پرداخت وجوهات شرعی و با بررسی تجربیات کشورهای گوناگون، که زکات را جایگزین مالیات کرده‌اند، پیشنهاد می‌کنند در ایران نیز سیاست «پذیرش وجوه خمس به جای مالیات» جایگزین سیاست کنونی «پذیرش وجوه مالی به عنوان هزینه‌های قابل قبول» شود.

موحدی بکنظر و رضائی (۱۳۹۱) بیان می‌دارند که مشکل نظام مالیاتی کنونی این است که از نظام وجوهات شرعی جداست و مطابق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیست و این نگاه منفک و مجزا به مالیات‌های شرعی و متعارف سبب ایجاد مشکل پرداخت‌های تکلیفی دوسویه (پرداخت مالیات از یک سو، و پرداخت وجوهات شرعی از سوی دیگر) برای مؤدیان مسلمان شده است. این پژوهش پس از نقد نگاه رایج، به تبیین نگاهی واحد به مالیات‌های شرعی و متعارف پرداخته است که در آن وجوهات شرعی به عنوان مالیاتی در کنار مالیات‌های حکومتی ملاحظه می‌شود. یکی از دلالت‌های این نگاه جدید حل مشکل پرداخت‌های دوسویه است.

رضایی دوانی و همکاران (۱۳۹۱) برای حل موازی‌کاری میان مالیات‌های حکومتی و حقوق‌های مالی دینی، شباهت مالیات بر مجموع درآمد و خمس را بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که خمس تمام ساختارهای لازم مالیات بر کل درآمد را دارد و به همین سبب، می‌تواند جایگزین مالیات بر درآمد شود. همچنین تفاوت عمده خمس با مالیات بر مجموع درآمد، در گسترده بودن پایه خمس (هر نوع درآمد و منفعت) و گسترده بودن هزینه‌های قابل قبول خمس عنوان شده است. در این پژوهش، هر چند ساختار اجرایی برای ورود خمس به نظام مالیاتی ارائه نشده، اما برای محاسبه هزینه‌های قابل قبول دو پیشنهاد ارائه شده است: یکی تعیین سقفی از هزینه‌های قابل قبول برای هر دهک درآمدی، و دیگری قبول هزینه‌ها تا سقف خط فقر.

کاشیان و همکاران (۱۳۹۴) در پی پاسخ به این سؤال هستند که رابطه مالیات‌های اسلامی و مالیات‌های متعارف از سنخ جایگزینی است یا مکمل بودن؟ و در صورت مکمل بودن تقدم با کدام یک است؟ یافته‌های این تحقیق حاکی از

آن است که مالیات‌های اسلامی و مالیات‌های متعارف مکمل همدیگرند. همچنین خمس و زکات بر مالیات‌های متعارف تقدم دارند و مالیات‌های متعارف به صورت ثانوی و مکمل به درآمدهای حکومت اسلامی اضافه می‌شوند.

رستمی و رستمی (۱۳۹۴) با تأکید بر کارایی فراوان مالیات‌های اسلامی، حکومتی بودن این مالیات‌ها و قابل بسط بودن آنها با توجه به شرایط، پیشنهاد می‌دهند که مالیات‌های اسلامی به طور کامل جایگزین مالیات‌های متعارف شوند.

شعبانی و کاشیان (۱۳۹۵ الف) ضمن بیان این مشکل، که ناهماهنگی نظام مالیات‌های متعارف و اسلامی در ایران مشکلاتی، از جمله، پرداخت‌های موازی از سوی مردم، مخارج موازی از سوی دولت و مراجع تقلید، کم‌توجهی بخشی از جامعه به مالیات‌های اسلامی یا مالیات‌های متعارف، و غفلت از منابع مهم مالیات‌های اسلامی در تأمین بودجه کشور، سازوکار یکپارچه‌ای برای مالیات‌های اسلامی و متعارف پیشنهاد کرده‌اند که مشکلات ساختار کنونی را برطرف می‌سازد. در این سازوکار پیشنهادی، که با نگاه حق‌الإماره بودن خمس و زکات طراحی شده است، مؤدیان متدینی که وجوهات شرعی خود را به ولی فقیه بپردازند، مالیات آنها با احتساب وجه شرعی پرداختی به ولی فقیه در آن سال مالی، محاسبه خواهد شد. همچنین ولی فقیه طبق صلاح‌دید خود، بخشی از وجوهات را در اختیار دولت قرار می‌دهد. بدین‌روی، مشکلاتی همچون پرداخت مضاعف متدینان و وارد نشدن مالیات‌های اسلامی به بودجه دولت حل خواهد شد.

بابایی (۱۳۹۶) به‌صورت تطبیقی مالیات‌های حکومتی و مالیات‌های اسلامی را بررسی کرده و ضمن بیان تفاوت‌ها و تشابه‌ها، از جهات گوناگون، به این نتیجه رسیده است که خمس و زکات همچون مالیات به دولت اسلامی تعلق می‌گیرند و لازم است در کنار مالیات، به طور متمرکز جمع‌آوری شوند و به حساب خزانه نزد دولت اسلامی واریز گردند.

کیا/الحسینی و همکاران (۱۳۹۶) با مقایسه مالیات بر درآمد به‌عنوان یک پایه مالیاتی در نظام اقتصادی کنونی و خمس ارباب مکاسب به‌عنوان عمده‌ترین مالیات بر درآمد در فقه امامیه، ویژگی‌ها و مزایای نظام مالیات اسلامی را بررسی کرده‌اند. ایشان با روش تجربی، مقدار خمس بالقوه ایران را طی ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۱ بر اساس «توزیع دوطرفه پارتو» به‌دست آورده و توزیع بار مالیاتی روی دهک‌ها را نشان داده و به این نتیجه دست یافته‌اند که اختلالات کارایی و تخصیص منابع در خمس نسبت به مالیات کمتر است، و از نظر درجه تصاعد نیز خمس، مالیاتی تصاعدی با نرخ تصاعد ملایم است، درجه تصاعد آن از مالیات بر درآمد کمتر است.

عمده پژوهش‌هایی که به آنها اشاره شد و در موضوع مقایسه مالیات‌های متعارف و مالیات‌های اسلامی یا جایگزینی وجوهات شرعی به جای مالیات‌های متعارف انجام شده، دارای - دست‌کم - یکی از سه ضعف ذیل است:

اول. بسیاری از آنها به صورت کلی به مالیات‌ها و وجوهات شرعی پرداخته‌اند و در آن تمام انواع مالیات و تمام انواع وجوهات شرعی مدنظر گرفته شده و بررسی تطبیقی و موردی دقیق میان یک نمونه از مالیات‌های متعارف و یکی از وجوهات شرعی صورت نگرفته است. بررسی موردی می‌تواند به نتایج دقیق‌تر و بعضاً متفاوتی منجر شود.

دوم. برخی از پژوهش‌های این حوزه نیز صرفاً از جنبه نظری به این موضوع پرداخته‌اند. این تحقیقات با وجود قوت نظری و ارائه نتایج ارزشمند، درباره چگونگی اجرای جایگزینی و ورود وجوهات شرعی با توجه به شرایط

امروزی اقتصاد ایران بحثی نکرده و راهکاری ارائه نداده‌اند. این خلأ یک ضعف و نقص بزرگ قلمداد می‌شود. سوم، ضعف فقهی است که در برخی تحقیقات مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که مباحث فقهی و استناد به منابع معتبر فقهی بسیار کم‌رنگ است و همین امر موجب شده محقق برداشت‌هایی داشته باشد که چندان با فقه امامیه سازگار نباشد، یا در الگویی که ارائه داده ملاحظات شرعی رعایت نشده باشد.

پژوهش پیش‌رو قصد دارد ضمن رسیدن به پاسخ و رهیافت مناسب به مسئله اصلی تحقیق، کاستی‌ها و ضعف‌های تحقیقات گذشته را رفع نماید. به همین سبب، در این پژوهش، ضمن بررسی موردی یکی از وجوهات شرعی (خمس ارباح مکاسب) و یکی از مالیات‌های متعارف (مالیات بر مجموع درآمد) تلاش شده است مباحث فقهی، رویکردهای متفاوت فقها و ملاحظات شرعی توجه جدی شود و در نهایت، ساختاری اجرایی، که قابلیت پیاده‌سازی در شرایط امروزی اقتصاد ایران را دارا باشد، پیشنهاد کند.

مبانی نظری

۱. مالیات بر مجموع درآمد

مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی دو گونه است: یکی مالیات تفصیلی که بر هر یک از منابع درآمدی همچون دستمزد و عایدی سرمایه به طور جداگانه و طبق مقررات خاص و نرخ‌های متفاوت مالیات وضع می‌شود. گونه دیگر مالیات بر کل درآمد یا مالیات بر مجموع درآمد است که بر تمام منابع درآمدی مؤدی مالیاتی پس از کسر تخفیفات و درآمدهایی که مالیات آن پرداخت شده، در پایان دوره مالی مالیات وضع می‌شود (رضایی دوانی و همکاران، ۱۳۹۱). درباره منابع درآمدی مشمول مالیات، نظریات گوناگونی وجود دارد که در تعریفی مشهور به «هیج - سیمونز» (Haig-Simons)، درآمد مشمول مالیات را مجموع تمام انواع درآمد فرد می‌داند که برای مصرف قابل استفاده است، (اعم از دستمزد، درآمد اجاره، سود سپرده، سود سهام، تمام دریافت‌های انتقالی از دولت، درآمد خارج از کشور، ارزش خدماتی که درون خانواده تولید می‌شود و ارزش عایدی سرمایه) بر می‌شمرد (هیندریکس و مالیلز، ۲۰۱۳، ص ۳۱۹).

نرخ‌گذاری مالیات بر مجموع درآمد می‌تواند به شیوه‌های گوناگونی انجام شود:

شیوه اول این است که بدون در نظر گرفتن درآمد هر فرد، همه افراد به میزان ثابتی مالیات بپردازند. شیوه دوم وضع نرخ تصاعدی بر مالیات است که از افراد ثروتمند با درصد بالاتری از درآمدشان مالیات اخذ شود و بر افراد فقیر نرخ پایین‌تر وضع شود و سهم کمتری از درآمدشان اخذ گردد. شیوه سوم وضع نرخ ثابت است؛ به این صورت که از همه افراد درصد ثابتی (برای مثال ۲۵٪) از درآمدشان مالیات اخذ گردد. شیوه چهارم وضع نرخ تنازلی است که در آن، از افراد ثروتمند با نرخ پایین و از افراد کم درآمد با بالا مالیات اخذ می‌شود (آدام و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۱۲۶-۱۳۲).

نرخ‌های مالیات از لحاظ کارایی و میزان برقراری عدالت با یکدیگر تفاوت دارند. شیوه اول و چهارم بسیار کم کاربرد هستند و در مالیات بر درآمد به کار گرفته نمی‌شوند. در مقایسه بین نرخ ثابت یا تناسبی و نرخ تصاعدی بر

درآمد، هرچند مالیات با نرخ تصاعدی عدالت بیشتری در جامعه ایجاد می‌کند، ولی کارایی پایین‌تری دارد. در مقابل، مالیات با نرخ ثابت برای همه گروه‌های درآمدی کارایی بیشتری دارد، هرچند در برقراری عدالت و توازن اجتماعی به میزان کمتری موثر است (الکینز، ۲۰۰۶، ص ۵۰-۵۱؛ گروبر، ۲۰۱۳، ص ۵۹۷).

۲. خمس

خمس یکی از واجبات قطعی مسلمانان است که در قرآن کریم نیز بر آن تأکید شده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ أَمْنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفَاةِ الْجُمُعَانَ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال: ۴۱)؛ بدانید که هر غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه را در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی‌ایمان) نازل کردیم، ایمان آورده‌اید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست. فقهای اهل سنت واژه «غنمتم» را محصور در غنیمت جنگی می‌دانند و فقط آن را مشمول خمس تلقی می‌کنند. ولی عموم فقهای امامیه با استناد به روایات و اجماع، منابع هفت‌گانه‌ای برای خمس برمی‌شمرند: ۱. غنیمت جنگی؛ ۲. معدن؛ ۳. غوص (چیزهایی که از اعماق دریا به دست می‌آید)؛ ۴. زمین فروخته شده به کافر ذمی از سوی مسلمانان؛ ۵. گنج؛ ۶. مال حلال مخلوط به حرام؛ ۷. ارباح مکاسب (مکی عاملی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۶۵).

تعریف و ویژگی‌های «خمس ارباح مکاسب»

خمس ارباح مکاسب عبارت است از: ۲۰ درصد مازاد تمام درآمدهای نقدی و نقد نشده (همچون دارایی مازاد و استفاده نشده) که در پایان سال مالی، هر کس از نظر شرعی موظف به پرداخت آن است. متونه سال خانوار و مخارج متعارف، همچون تحصیل، خوراک و پوشاک، مسکن، لوازم ضروری، سفر، مهمانی و هبه مطابق با شأن فرد در پایان سال محاسبه و از درآمد او کسر می‌شود. به بیان دیگر، مخارج ضروری و درخور شأن فرد و خانواده تحت تکفل وی معاف از خمس است. نرخ آن برای همه گروه‌های درآمدی ثابت است و این نرخ ۲۰ درصد مازاد درآمد سالیانه است. همچنین این مالیات شرعی تنها شامل افراد و اشخاص حقیقی می‌شود و به شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی تعلق نمی‌گیرد (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۷۹ ب).

«متونه» به مخارجی گفته می‌شود که در زندگی هزینه می‌تسهیل مهار تورم گردد و شامل این اقلام است: هزینه‌های شخصی؛ مانند خوراک و پوشاک، خانه مسکونی، وسایل زندگی، وسایل نقلیه، مخارج تحصیل، هزینه‌های ازدواج و از این قبیل مخارج؛ هدایا و بخشش‌ها، مانند صدقات، خیرات و جوایز؛ حقوقی که بر ذمه شخص است، مانند دیه، کفاره و غرامت (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۶۲).

ابعاد حکومتی خمس از منظر فقهی

نسبت به خمس، تعریف و مصارف آن، دو رویکرد رایج در فقه امامیه وجود دارد: رویکرد سنتی، و رویکرد حکومتی. در رویکرد سنتی، بسیاری از فقها، به‌ویژه فقهای متقدم، همچون صاحب‌الکلام، خمس را این‌گونه تعریف

می‌کنند: «خمس، حق مالی است که خداوند بر بندگان در مال ویژه، به نفع خود و بنی‌هاشم وضع کرده است. بنی‌هاشم، که پیشوایان و رهبران مردم و صاحبان فضل و احسان‌اند، به خاطر ارج نهادن، خمس به جای صدقه و زکات به ایشان تعلق می‌گیرد» (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۶، ص ۲). مطابق این تعریف، «خمس» در عوض «زکات» و بر مبنای برتری سادات بر غیرسادات است. به همین سبب، به خدا و بنی‌هاشم اختصاص دارد.

همچنین این رویکرد نسبت به مصرف خمس دیدگاهی خاص دارد و معتقد است: خمس ملک مشترک شش عنوانی است که در آیه ۴۱ سوره انفال ذکر شده، و هر کدام از آن شش صنف مالک درآمدهای خمسی هستند. بنابراین، سهم امام باید به یکی از مراجع تقلید پرداخت شود و پرداخت‌کنندگان خمس می‌توانند سهم سادات و فقرا را، که جدا از سهم امام است، به طور مستقیم به سادات بپردازند (دفتر تبلیغات اسلامی خراسان، ۱۳۸۷، ص ۳۲۹-۳۳۱). برخی از قایلان به رویکرد سنتی عبارتند از: شیخ مفید (۱۳۷۴ق، ص ۲۷۶)؛ شیخ طوسی (۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۶۲)؛ علم‌الهدی (۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۶)؛ حلی (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۹۲).

از سوی دیگر، دسته دیگری از فقها، به‌ویژه فقه‌های معاصر، رویکردی حکومتی نسبت به خمس دارند. مطابق این رویکرد، خمس، مالیاتی برای اداره حکومت اسلامی و ملک خداوند است که به امام مسلمانان منتقل می‌شود. این دسته از فقها بر پایه ادله پذیرش ولایت مطلقه فقیه، استدلال می‌کنند که در زمان غیبت، در صورت تشکیل حکومت اسلامی، اختیارات پیامبر و معصومان علیهم‌السلام به ولی فقیه منتقل می‌شود. پس همان‌گونه که در زمان حضور معصوم، پیامبر یا امام متولی جمع‌آوری و توزیع خمس است، بنا بر حکم اولی، اختیار جمع‌آوری و مصرف خمس با ولی فقیه و مطابق صلاح‌دید اوست (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۵۳؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱؛ صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۰۳-۳۰۶؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۷۷-۳۷۷؛ منتظری، ۱۳۶۳، ص ۱۲؛ شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵؛ کیکاو و رزمی، ۱۳۹۱).

در این زمینه، شیخ فیاض‌الدین زنجانی «خمس» را این‌گونه تعریف می‌کند: «خمس، حق مالی حکومت (حق‌الاماره) است که محدود به یک پنجم است» (زنجانی و جعفری، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

آیت‌الله یزدی نیز ضمن اینکه خمس را حق‌الاماره و یکی از مالیات‌های دولت اسلامی می‌داند، از مجموعه روایات و آیه خمس استنباط می‌کند که در زمان غیبت در صورت تشکیل نشد حکومت اسلامی به دست فقیه، خمس باید به فقها و مراجع پرداخت شود، ولی چنانچه فقیه مبسوط‌الید حکومت تشکیل داد، تنها شخص شایسته دریافت خمس ولی فقیه است، و ولی فقیه تنها متولی سهم امام است. سهام سادات و فقرا نیز باید زیر نظر ولی فقیه پرداخت شود و مکلفان اجازه ندارند به طور مستقیم به سادات نیازمند خمس بپردازند (یزدی، ۱۳۷۷).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز چنین فتوا می‌دهد: «اختیار سهمین مبارکین به طور کلی، مربوط به ولی امر مسلمین است و کسی که برعهده او و یا در مال وی مقداری حق امام علیهم‌السلام یا سهم سادات باشد، باید آن را به ولی امر یا وکیلی که از طرف او اجازه دارد، تسلیم کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱).

شهید صدر نیز خمس را یکی از مالیات‌های ثابت در اختیار دولت اسلامی می‌داند که اسلام آن را برای اجرای اصل توازن اجتماعی در اختیار دولت اسلامی قرار داده است (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۰۳-۳۰۶).

برخی از این فقها نه تنها خمس را حق الاماره می‌دانند و فقیه حاکم را اختیاردار آن برمی‌شمردند، بلکه برای گروه‌های شش‌گانه همچون سادات فقیر ملکیت قایل نیستند و تنها آنها را در زمره مصارف خمس محسوب می‌کنند. امام خمینی علیه السلام می‌نویسد:

مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه ای که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر و روحانی نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است؛ مثلاً «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت‌المال می‌ریزد، و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد. اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیات‌هایی که داریم، یعنی خمس و زکات و... اداره شود. تعیین بودجه‌ای به این هنگفتی دلالت دارد بر اینکه منظور تشکیل حکومت و اداره کشور است. برای عمده حوایج مردم و انجام خدمات عمومی، اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی، قرار داده شده است. این به عهده متصدیان حکومت اسلامی است که چنین مالیات‌هایی را به اندازه و به تناسب و طبق مصلحت تعیین کرده، سپس جمع‌آوری کنند، و به مصرف مصالح مسلمین برسانند (موسوی خمینی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲-۳۳).

نظر آیت‌الله مؤمن این چنین است:

خمس یک سهم است و از آن منصب امامت، بینویان، یتیمان و در راه‌ماندگان عائله امام به حساب می‌آیند و امام باید آنان را از این بودجه اداره کند. و بنا بر دیدگاه «سهم‌بندی» نیز باید همه خمس در اختیار امام و حاکم اسلامی قرار بگیرد. پس به دلیل تشکیل حکومت اسلامی، در دوره غیبت و ادله ولایت فقیه، خمس در زمان غیبت باید در اختیار ولی فقیه گذارده شود و شیعیان نیز وظیفه دارند که خمس مال‌های خویش را به ولی امر مسلمانان و حاکم اسلامی تحویل بدهند. ... از سوی دیگر، هزینه خمس، به رأی و تشخیص مصلحت از سوی ولی فقیه بستگی دارد و آنچه در آیه شریفه و روایات آمده، نمونه‌های هزینه است، نه اینکه فقط باید در بین آنان تقسیم شود (به‌دراوند، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷-۱۰۸).

آیت‌الله منتظری خمس را متعلق به منصب امامت و حق حاکمیت اسلامی می‌داند و آن را محدود به مصارف شخصی امام نمی‌داند، بلکه مربوط به دولت و حکومت اسلامی تلقی می‌کند (منتظری، ۱۳۶۳، ص ۱۲). ایشان در جای دیگر، چنین می‌نویسد:

مجموعه خمس حق واحدی است مال امام و در اختیار امام است. متتهای امر، امام متکفل فقرای بنی‌هاشم نیز می‌باشند و به همین جهت، در آیه شریفه مربوط به خمس، بر سر اصناف سه‌گانه «والیتامی» «والمساکین» «واین السبیل»، لام ملکیت تکرار نشده است. (پس مالکیت خمس منحصر به خدا و رسول و امام یعنی ذوی‌القربی است و اصناف ثلاثه از جمله عیالات امام محسوب خواهند شد) (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۶).

امام خمینی علیه السلام می‌نویسد: شبهه‌ای وجود ندارد که سادات فقیر، موارد مصرف هستند، نه مالک سهام سه‌گانه. در صحیحته بزنطی تصریح شده است که امام به صلاح‌دید خود، نیازمندی‌های آنان را تأمین می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۵۳). ایشان در کتاب *کشف‌الاسرار* نیز خمس را یکی از منابع بودجه دولت اسلامی و یکی از مالیات‌های دولت اسلامی معرفی می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ۲۵۶ و ۲۶۰). درباره مصرف این مالیات می‌نویسد:

عمده مصرف بودجه، پس از دادن بودجه سادات و فقرا صرف در مصالح کشور است؛ در تأسیس ادارات کشوری و لشکری و ساختمان‌های مقتضی برای وزراتخانه‌ها و توسعه معارف و فرهنگ و دایره تبلیغات و ساختن راه‌ها و پل‌ها و بیمارستان‌ها و مدارس و کشیدن خطوط آهن در موقع مقتضی، و آنچه در عظمت کشور و معمور شدن آن دخالت دارد (همان، ۱۳۶۳، ص ۳۶۰).

آیت‌الله هاشمی شاهرودی نیز پس از بررسی دلالت‌های آیه خمس و مجموع روایات، نتیجه می‌گیرد که خمس مالیاتی حکومتی است و ملک منصب امامت است؛ یعنی مربوط به شئون اداره جامعه است، نه ملک شخصی امام. همچنین سادات و فقرا جزو موارد مصرف هستند، نه مالک بخشی از خمس، و خمس به صلاح‌دید امام مسلمانان و فقیه حاکم باید برای اداره کشور خرج شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۷۲-۳۷۷).

رویکرد حکومتی نسبت به خمس پیش‌فرض مقبول این مقاله است، و بر اساس این رویکرد، خمس به‌عنوان یکی از منابع مالی بودجه دولت اسلامی قلمداد می‌شود که در اختیار امام است و در عصر غیبت و در صورت تشکیل حکومت اسلامی، در اختیار ولی فقیه باید باشد. همچنین مطابق این رویکرد، مصرف خمس به صلاح‌دید ولی فقیه می‌تواند علاوه بر سادات و فقرا و تبلیغ اسلام، به مخارج جاری و عمرانی دولت نیز تعلق بگیرد.

شباهت‌های خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد

- هر دوی آنها از جنس مالیات هستند و به منظور تأمین نیازهای مالی حکومت یا برقراری توازن اجتماعی و اجرای سیاست‌های رفع فقر، در اختیار دولت یا حاکمیت قرار می‌گیرند (مؤمن، ۱۳۸۰).
- هر دو به طور مستقیم بر درآمد افراد وضع می‌شوند نه بر مصرف.
- هر دو به صورت سالانه از مؤدی یا مکلف دارای درآمد اخذ می‌شوند.
- در هر دو برخی مخارج و هزینه‌ها معاف می‌شوند: معافیت‌های مالیاتی در مالیات بر مجموع درآمد، و مؤنه سال در خمس.
- خمس بر هر فرد دارای درآمد واجب می‌گردد، مالیات بر مجموع درآمد نیز معمولاً بر افراد وضع می‌گردد. پس هر دو بر «فرد» وضع می‌شوند نه بر «خانواده».

تفاوت‌های خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد

در معافیت‌های مخارج و هزینه‌ها، گاهی خمس و مالیات بر حسب قانون کشور تفاوت دارند. معمولاً خمس دامنه وسیع‌تری از مخارج و مصارف را جزو مؤنه به حساب می‌آورد و تمام نیازهای اساسی انسان در ابعاد مادی، معنوی و اخلاقی همچون خوراک، پوشاک، تحصیل، بهداشت، کمک به هموعان و هزینه برخی عبادات همچون حج کسر می‌گردد، درحالی‌که در مالیات بر درآمد، ممکن است برخی از این هزینه‌ها جزو معافیت نباشند و از درآمد مشمول مالیات کسر نشوند (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۷۹ الف، ص ۱۲۳).

«خوداظهاری» در پرداخت نیز تفاوت دیگر خمس و مالیات بر مجموع درآمد است. آنچه از توصیه‌ها و سیره امیرالمؤمنین علیه السلام می‌توان دریافت این است که خمس و سایر وجوهات شرعی را باید با مدارا و نرمی و رعایت موازین

اخلاقی، عدل و انصاف اخذ کرد و نباید جبر و خشونت به کار گرفته شود. این ویژگی خمس موجب رشد اخلاقی جامعه اسلامی در کنار تأمین مالی حکومت خواهد شد (صدر و گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۱). در مالیات‌های متعارف، از جمله مالیات بر مجموع درآمد، رعایت این شرط لازم نیست و گاهی با اکراه و اجبار از مؤدی مالیاتی مالیات اخذ می‌گردد. سیاست‌گذار می‌تواند نرخ مالیات بر مجموع درآمد را تغییر دهد، یا نرخ‌های تصاعدی یا تنازلی برای آن قرار دهد، درحالی‌که نرخ خمس ثابت (یک پنجم یا بیست درصد) و غیر قابل تغییر است.

مالیات بر مجموع درآمد تنها بر درآمدهای گوناگون افراد وضع می‌شود، درحالی‌که خمس علاوه بر درآمد خالص، شامل دارایی‌های راکدی که با درآمد سال خریداری شده نیز می‌شود؛ به این معنا که اگر فردی کالای مصرفی (مثلاً لباس یا مواد خوراکی) یا کالای سرمایه‌ای (مثلاً خریدن ملک با انگیزه سوداگرانه نه سکونت) را با درآمد سال خود بخرد، ولی تا سر سال مالی استفاده نکند، باید خمس آنها را طبق قاعده‌ای خاص بپردازد. همچنین سرمایه و ابزار کار نیز با ملاحظات خاصی مشمول خمس هستند (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۶۴؛ حسینی، ۱۳۹۳، ص ۶۸، ۷۸، ۹۴ و ۱۱۵).

فرق دیگر مالیات بر مجموع درآمد و خمس ارباح مکاسب این است که در خمس، مخارج در صورتی جزو مؤنه و معاف از پرداخت خمس محسوب می‌شوند که مطابق «شأن» عرفی فرد و موقعیت اجتماعی وی باشند. مخارج در صورتی که مطابق شأن فرد نباشد یا اسراف و تبذیر باشد مشمول خمس است. این فتوا مطابق فتوای مشهور فقهایست و حتی برخی ادعای اجماع بر آن دارند (طباطبایی بروجردی، ۱۳۸۰، ق، ص ۸۸؛ خویی ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۹۵؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۱۸۷؛ شعبانی و کریمی، ۱۳۹۴)، درحالی‌که در مالیات بر مجموع درآمد، مسائل عرفی نظیر شأن و موقعیت اجتماعی افراد لحاظ نمی‌شود. پس با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌ها، می‌توان نتیجه گرفت خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد تشابه نسبی با یکدیگر دارند. همچنین باید به این نکته توجه کرد که با توجه به تفاوت‌هایی که این دو در معافیت‌های مخارج، گستردگی پایه مالیاتی و عواملی نظیر شأنیت دارند، خمس و مالیات بر مجموع درآمد با نرخ ۲۰٪ ممکن است برابر نباشند و اختلاف اندکی داشته باشند که احتمال دارد خمس بیش از مالیات باشد یا بعکس.

مزیت‌های خمس ارباح مکاسب بر مالیات بر مجموع درآمد

در این بخش، به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که خمس چه مزیتی بر مالیات بر مجموع درآمد دارد که باید جایگزین آن بشود؟ و در صورت جایگزینی، چه آثار مثبت و فوایدی پدید خواهد آمد؟ با توجه به تشابه‌ها و تفاوت‌ها - که در بخش پیشین به آنها اشاره شد - و ماهیت هر کدام از این دو نوع مالیات، به سؤال فوق پاسخ داده خواهد شد. مزایا و فواید خمس بر مالیات بر مجموع درآمد، در ساختار مالیاتی، تحت عنوان‌های ذیل دسته‌بندی می‌شود:

از نظر توجه به شئون انسانی، مزیت خمس بر مالیات، جامع‌نگری آن نسبت به نحوه مخارج است، به گونه‌ای که شئون افراد و شرایط آنها با توجه به شغل، موقعیت‌های جغرافیایی و زمانی و سایر عوامل عرفی در آن لحاظ می‌شود، و از این نظر، مترقی‌تر از نظام مالیاتی متعارف است که نوعی نگاه خشک و یکسان به همه افراد دارد و شرایط عرفی آنها را در مخارج در نظر نمی‌گیرد.

از نظر اجتناب مالیاتی، مزیت خمس بر مالیات این است که موجب می‌شود تا از اجتناب مالیاتی اشخاص حقیقی، به‌ویژه افراد ثروتمند جلوگیری شود؛ زیرا خمس بر دارایی‌های راکد خریداری شده از درآمد سال وضع می‌شود، درحالی‌که در مالیات بر مجموع درآمد، فقط بر درآمدهای جاری مالیات وضع می‌شود و ممکن است افراد برای فرار از مالیات، درآمد خود را در دارایی‌هایی همچون ملک به صورت راکد درآورند و از چرخه اقتصاد خارج کنند که این کار هم چرخه طبیعی اقتصاد را مختل می‌کند، هم موجبات اجتناب مالیاتی را فراهم می‌آورد، مگر اینکه قانون‌گذار بر دارایی‌های خاصی همچون املاک نیز مالیات جداگانه وضع کند، که این کار نیز موجب پیچیده شدن نظام مالیاتی می‌شود.

از نظر سادگی مالیاتی، ساده‌سازی مالیاتی، که یک امر مطلوب در نظام‌های مالیاتی قلمداد می‌شود، یکی دیگر از مزایای خمس بر مالیات بر مجموع درآمد است، به‌گونه‌ای که در ساختار خمس، نرخ مالیاتی تناسبی، یکنواخت و برای همه افراد یکسان است و برای همه مؤدیان نیز قابل فهم (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۷۹ الف، ص ۱۲۱). البته ناگفته نماند که ساختار خمس، با توجه به محاسبه دارایی‌های راکد و عوامل پویایی، همچون شأن افراد، دارایی پیچیدگی‌ها و دقت‌های ویژه خاص خود است، ولی در مجموع، برای همه افراد جامعه، حتی افراد کم‌سواد قابل درک است و در مجموع، ساختاری نسبتاً ساده دارد.

جلوگیری از مالیات مضاعف افراد متدین جامعه، از دیگر فواید جایگزینی خمس به جای مالیات بر مجموع درآمد است؛ زیرا در نظام مالیات دوگانه و موازی، افراد متدین، هم خمس درآمد خود را می‌پردازند هم مالیات مجموع درآمد خود را به دولت پرداخت می‌کنند که این امر موجب فشار بر قشر متدین جامعه و به نوعی تنبیه آنهاست.

از نظر تقید به اموری دینی، با توجه به عبادی بودن خمس، در صورتی که خمس جایگزین مالیات شود یا افراد بتوانند به صورت داوطلبانه به جای مالیات خمس بپردازند، افراد به پرداخت خمس مشتاق‌تر می‌شوند و این واجب عبادی احیا و گسترش خواهد یافت که این مقصود، دستاورد کمی در نظام اسلامی نیست و بسیار اهمیت دارد، درحالی‌که در نظامات موازی خمس و مالیات با توجه به داوطلبانه بودن خمس و اجباری بودن مالیات، افراد تمایل پیدا می‌کنند که از پرداخت خمس سر باز زنند و این واجب دینی به سمت متروک شدن پیش خواهد رفت.

از لحاظ تضاد عدالت و کارایی، این تضاد در خمس به نسبت به مالیات بر مجموع درآمد با توجه به نرخ ثابت خمس، فراگیری آن و پشتوانه‌های دینی و فرهنگی کمتر به چشم می‌خورد و دو هدف عدالت و کارایی تا حد زیادی تأمین می‌گردد. همچنین خمس آثار توزیعی بهتری نسبت به مالیات بر مجموع درآمد دارد و با کمترین اختلالات کارایی، عدالت عمودی را محقق خواهد کرد (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۷۹ الف، ص ۲۳۱-۲۳۲؛ کیا‌الحسینی و همکاران، ۱۳۹۶).

این هماهنگی عدالت و کارایی در خمس، در اثر دو عامل محقق می‌شود: عامل اول وجود انگیزه دینی و رغبت کامل مکلف به پرداخت خمس است که به منظور کسب رضایت خداوند و دریافت پاداش اخروی صورت می‌گیرد، بر خلاف مالیات که اجبار دولت در کسر مقداری از درآمد، موجب کاهش انگیزه و درنهایت، اختلال کارایی در اقتصاد می‌شود. عامل دوم مربوط به نرخ ثابت خمس است. در مالیات‌های تصاعدی با نرخ‌های گوناگون، کاهش کارایی بیش از مالیات‌های با نرخ ثابت رخ می‌دهد. در نتیجه، خمس، که نرخ ثابتی دارد، در کنار تحقق عدالت، موجب اختلال شدید کارایی نمی‌شود.

جایگزینی یا مکمل بودن خمس و مالیات

اکنون که دریافتیم خمس از جهات اقتصادی و اهداف اسلامی بر مالیات بر مجموع درآمد ارجح است و جایگزینی آن می‌تواند مفید باشد، ضروری است که در این بخش به این سؤال مهم پاسخ دهیم: آیا باید خمس ارباح مکاسب به طور کامل جایگزین مالیات بر مجموع درآمد شود و مالیات بر مجموع درآمد به طور کلی از نظام مالیاتی حذف گردد؟ یا این دو مکمل همدیگر باشند و نظام مالیاتی تلفیقی باشد از هر دو آنها؟

برخی محققان پاسخ‌هایی مشابه به سؤالات داده‌اند که برای پاسخ به این سؤال مفید است. البته سؤال مطرح شده در پژوهش‌های دیگر ناظر به جایگزینی عموم وجوهات شرعی و مالیات‌های متعارف است. تحقیقات بیانگر آن است که اولاً، مالیات‌های متعارف هرگز نمی‌توانند جایگزین خمس و زکات و دیگر وجوهات شرعی شوند. ثانیاً، در نظام اقتصادی اسلام، خمس و زکات واجب هستند؛ ولی مالیات را در صورتی دولت می‌تواند اخذ کند که منابع مالیات‌های شرعی کفاف اداره دولت اسلامی را ندهد و در این شرایط، مالیات به حکم ثانوی مشروعیت می‌یابد و مکمل مالیات‌های اسلامی قرار می‌گیرد. پس تقدم با وجوهات شرعی است و مالیات‌های متعارف به‌عنوان مکمل می‌توانند نقش مفیدی برای اداره جامعه اسلامی ایفا کنند (کاشیان و همکاران، ۱۳۹۴). بر همین مبنا، امام خمینی^ع در جمع وزیر وقت اقتصاد و مسئولان اقتصادی وقت کشور فرمودند:

و اگر یک روزی هم - ان شاء الله - توانستیم و توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم و هیچ احتیاجی به چیز دیگری زاید (مثل مالیات) نداشته باشیم، همین خمس بسیار عادلانه است؛ برای اینکه بقال سر محله به اندازه خودش مالیات می‌دهد، آن آدمی که صاحب کارخانه‌های گذاست، آن هم به اندازه خودش مالیات می‌دهد. امید است که بشود (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۳۴-۲۳۵).

این جملات ایشان بیانگر آن است که علاوه بر اینکه امام راحل خمس و دیگر مالیات‌های اسلامی را متعلق به حکومت می‌داند، اجرای آن را در شرایط جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر و لازم می‌شمرد. همچنین مالیات متعارف را امری زاید و ثانوی نسبت به مالیات‌های اسلامی قلمداد می‌کند.

در موضوع خاص این پژوهش، که جایگزینی خمس ارباح مکاسب بر مالیات بر مجموع درآمد است، بنابر دلایل ذیل، نمی‌توان خمس را به طور کامل جایگزین مالیات بر مجموع درآمد کرد و بهتر است این دو مالیات شرعی و متعارف به‌عنوان مکمل یکدیگر در نظام مالیاتی قرار گیرند. دلایل:

مطابق رویه شیعیان و فقهای امامیه در قرون اخیر، و همچنین با توجه به ویژگی‌های عبادی و خود اظهاری بودن خمس، مقتضیات زمان و مکان و فتوای بیشتر فقها، بهتر است خمس به صورت داوطلبانه توسط مکلفان دارای درآمد اخذ شود و دولت با قوه جبریه به اخذ خمس اقدام نکند (صدر و گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۱). با در نظر گرفتن این فرض، در صورت جایگزینی کامل، بخشی از جامعه، که تقید کمتری به مسائل شرعی دارند، به راحتی می‌توانند از زیر بار مالیات بر مجموع درآمد فرار کنند و در نهایت، سازوکاری ناعادلانه شکل خواهد گرفت که بار مالی مضاعف بر متدینان وضع می‌کند.

وجود جمعیت کثیری از اهل سنت و همچنین وجود اقلیت‌های دینی در کشور، که خمس ارباح مکاسب را واجب نمی‌دانند، دلیل دوم برای مناسب نبودن جایگزینی کامل، دست‌کم در شرایط کنونی، است؛ زیرا با توجه به داوطلبانه بودن خمس و واجب ندانستن آن از نظر این جمعیت، در صورت جایگزینی کامل و حذف مالیات بر مجموع درآمد از نظام مالیاتی، باز هم نظام مالیاتی ناعادلانه و ناکارآ به وجود می‌آید.

پس با توجه به ادله ذکر شده، بهتر است نظام مالیاتی تلفیقی به‌وجود آید، به این صورت که هر کس با میل خود اقدام به پرداخت خمس کند، معاف از پرداخت مالیات بر مجموع درآمد است، ولی چنانچه خمس نپردازد ملزم به پرداخت مالیات بر مجموع درآمد می‌شود و دولت باید مالیات بر مجموع درآمد را از مؤدی مالیاتی اخذ کند و از فرار مالیاتی افراد جلوگیری کند.

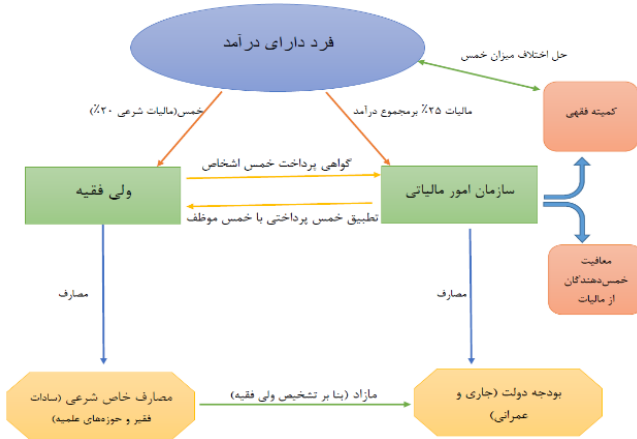
سازوکار ورود خمس به نظام مالیاتی ایران

پس از پاسخ به سؤال جایگزینی کامل یا مکمل بودن خمس و مالیات، باید به این موضوع پرداخت که سازوکار اجرایی و ساختار نوین مالیاتی با توجه به ورود خمس ارباح مکاسب به نظام مالیاتی، چگونه باشد که هم جوانب شرعی در آن رعایت شود و هم کارایی لازم را داشته باشد؟

برای پاسخ به این پرسش، باید با توجه به یافته‌های بخش‌های قبل، الگو و ساختاری طراحی کرد. سازوکار نظام مالیاتی پس از ورود خمس ارباح مکاسب به آن، باید سازوکاری تلفیقی از خمس و مالیات بر مجموع درآمد و با اولویت خمس باشد؛ زیرا در بخش‌های قبل، اثبات شد که اگرچه خمس از جهات گوناگون، از جمله کارایی بر مالیات مزیت دارد، لیکن با توجه به ملاحظات اجرایی در زمان حاضر، «ساختار تلفیقی» ساختاری کارآمدتر و عادلانه‌تری نسبت به نظام تک مالیاتی بر مبنای خمس یا مالیات بر مجموع درآمد به‌شمار می‌آید. در این ساختار، چنانچه فرد دارای درآمد اقدام به پرداخت خمس به دفتر ولی فقیه کند، از پرداخت مالیات بر مجموع درآمد معاف خواهد بود، به این نحو که اگر خمس خود را به ولی فقیه پرداخت، باید گواهی آن را به سازمان امور مالیاتی تحویل دهد. دفتر ولی فقیه نیز اسامی پرداخت‌کنندگان خمس را در انتهای سال در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار می‌دهد. در این مرحله، سازمان امور مالیاتی بر مبنای شبکه گسترده اطلاعاتی که از مردم دارد، با توجه به درآمدها و هزینه‌های هر شخص، خمسی را که هر کس موظف به پرداخت آن است، تخمین می‌زند. در صورتی که گواهی پرداختی خمس به ولی فقیه با تخمین سازمان امور مالیاتی همخوان باشد، مؤدی مالیاتی از پرداخت مالیات بر مجموع درآمد معاف می‌شود. ولی چنانچه اختلاف آشکاری میان تخمین خمس موظف و خمس پرداختی مشاهده شود، کمیته فقهی سازمان امور مالیاتی، که شامل کارشناسان مذهبی است، از مؤدی توضیح می‌خواهد. در صورتی که توضیحات مؤدی اقناع‌کننده بود، معاف از پرداخت مالیات می‌شود؛ ولی اگر توضیحات وی کافی نبود، یا باید معادل میزان اختلاف، خمس بپردازد یا سازمان امور مالیاتی به آن میزان از وی مالیات بر مجموع درآمد اخذ می‌کند.

چنانچه فردی به سبب آیین و مذهبش یا هر دلیل دیگری تمایلی به پرداخت خمس نداشت، سازمان امور مالیاتی در پایان سال، مالی از وی به‌عنوان مالیات بر مجموع درآمد اخذ می‌کند. در این ساختار، به منظور تشویق

افراد به پرداخت خمس، که واجبی عبادی است، مالیات بر مجموع درآمد با نرخ بالاتر از خمس یعنی ۲۵٪ در نظر گرفته شده است. و کسی که خمس نپردازد به ناچار باید مالیات بر مجموع درآمد با نرخ ۲۵٪ را بپردازد. از جنبه مصارف هر کدام از این مالیات‌ها، مالیات بر مجموع درآمد همچون سایر مالیات‌های متعارف، به خزانه کل واریز می‌شود و جزو منابع بودجه دولت برای مصارف عمرانی یا جاری محسوب می‌شود. خمس ارباح مکاسب نیز به صلاح‌دید و تشخیص ولی فقیه، باید هزینه گردد، به‌گونه‌ای که پس از تأمین سادات فقیر و حوزه‌های علمیه، مازاد آن بنا بر تشخیص ولی فقیه به خزانه دولت برای عموم مخارج دولت یا هزینه در بخش خاصی انتقال یابد. بخش مصارف خمس کاملاً وابسته به نظر ولی فقیه است. حتی ممکن است صلاح‌دید وی بر این باشد که تمام مصارف خمس، حتی تسهیم بین سادات فقیر و حوزه‌های علمیه توسط دولت و قوه مجریه انجام شود، یا اینکه تمام مصارف آن مستقل از قوه مجریه و از طریق ضابطان زیر نظر ولی فقیه انجام گیرد (موسوی خمینی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲-۳۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۷۲-۳۷۷). پس برای مصرف خمس جمع‌آوری شده حالات گوناگونی متصور است و طیفی وسیع از این حالات وجود دارد که تشخیص حالت بهینه و انتخاب آن کاملاً به اقتضای زمان و نظر ولی فقیه بستگی دارد؛ زیرا همان‌گونه که در بخش‌های پیشین اشاره شد، از نظر شرعی اختیاردار خمس ولی فقیه است و باید بنا به صلاح‌دید او، خمس تسهیم و مصرف گردد. نمودار ۱. ساختار تلفیقی خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد در نظام مالیاتی ایران



این ساختار پیشنهادی دارای مزایا و نوآوری‌های مهمی است که در پژوهش‌های پیشین وجود نداشته است. در این ساختار تلفیقی، به منظور تشویق جامعه به پرداخت خمس و جلوگیری از اعمال فشار مالی مضاعف بر متدینان، پرداخت‌کنندگان خمس به ولی فقیه از مالیات بر مجموع درآمد معاف خواهند شد. حق انتخاب برای مؤدیان مالیاتی در نظر گرفته شده است؛ به این صورت که مؤدی مالیاتی بین برگزیدن خمس یا مالیات بر مجموع درآمد اختیار دارد و می‌تواند آزادانه یکی از این دو را انتخاب کند. اختصاص داشتن این الگو به خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد از جمله مزیت‌های این ساختار است که موجب ظرافت بیشتر و افزایش دقت الگو شده؛ زیرا ملاحظات شرعی خمس و ملاحظات اجرایی این دو مالیات شرعی و متعارف با دقت بیشتری در نظر گرفته شده است.

همچنین دو پیشنهاد کلیدی برای ساختار سازمان امور مالیاتی مطرح شده است: پیشنهاد اول تخمین خمس موظف توسط این سازمان است که با توجه به اطلاعات درآمدها و هزینه‌های قابل قبول افراد از طریق بانک‌های اطلاعاتی وزارت اقتصاد و دارایی برآورد می‌شود. پیشنهاد دوم در ساختار سازمان امور مالیاتی در نظر گرفتن کمیته فقهی در این سازمان است. این کمیته فقهی باید مورد تأیید ولی فقیه باشد. وجود این کمیته به این سبب لازم و ضروری است که ممکن است سامانه‌های سازمان امور مالیاتی در برآورد خمس موظف افراد دچار خطا شوند یا نتوانند عوامل پویا مانند شأنت افراد را تشخیص دهند. در این هنگام، ضروری است عاملی انسانی (افرادی آشنا به احکام) در کنار عوامل فنی (سامانه‌های برآورد مالیات و خمس موظف) حضور داشته باشند و اختلافات را بررسی کنند تا حقی از کسی ضایع نشود.

نتیجه‌گیری

یافته این تحقیق حاکی از آن است که خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد شباهت نسبی به یکدیگر دارند و البته تفاوت‌هایی نیز در این دو مشاهده می‌شود. همچنین امکان جایگزینی با مالیات بر مجموع درآمد وجود دارد، ولی جایگزینی کامل و حذف مالیات بر مجموع درآمد از نظام مالیاتی، با توجه به مقتضیات زمان حاضر، الگوی بهینه نیست. الگوی بهینه، ساختار تلفیقی است که پرداخت‌کنندگان خمس، از مالیات معاف شوند و کسانی که اقدام به پرداخت خمس نکنند مشمول مالیات بر مجموع درآمد شوند.

این یافته‌ها دلالت‌هایی سیاستی برای اجرا در بستر اقتصاد ایران به دنبال خواهد داشت و ضرورت دارد در این زمینه، قانون مالیات‌های مستقیم اصلاح گردد و برخی ساختارهای اجرایی تغییر یابد. برخی از این دلالت‌ها به شرح ذیل است:

به‌منظور تشویق به پرداخت خمس، در اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم، باید مالیات بر مجموع درآمد با نرخ بالاتر از خمس - مثلاً، ۲۵٪ - برای کسانی که خمس پرداخت نمی‌کنند، در نظر گرفته شود.

ساختار تلفیقی و قابل قبول بودن خمس به‌عنوان مالیات بر درآمد در اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم لحاظ گردد. نقش کمیته فقهی به‌عنوان عامل انسانی و خبره به‌منظور رفع اختلافات، در قانون گنجانده شود.

سازمان امور مالیاتی و وزارت اقتصاد باید زیرساخت‌های اطلاعاتی، فنی و اجرایی برای محاسبه خمس موظف و مالیات موظف مؤدیان را فراهم سازد.

سازمان امور مالیاتی لازم است تغییراتی درون سازمانی ایجاد کند و ضمن تأسیس کمیته فقهی و به‌کارگیری کارشناسان مذهبی در این بخش، ساختارهایی سازمانی را برای تعامل با ولی فقیه و تبادل اطلاعات پرداخت‌کنندگان خمس ایجاد نماید.

منابع

- بابایی، عیسی، ۱۳۹۶، «بررسی تطبیقی مالیات‌های اسلامی با مالیات‌های حکومتی (مطالعه موردی: خمس و زکات)»، *تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ش ۱۸، ص ۶۹-۸۰.
- به‌داروند، محمدمهدی، ۱۳۹۳، *منابع مالی در حاکمیت فقیه: برگرفته از درس‌های خارج فقه آیت‌الله محمد مومن قمی*، قم، دفتر نشر معارف.
- حسینی، سیدمجتبی، ۱۳۹۳، *احکام خمس (مطابق نظر ده تن از مراجع عظام)*، چ دوم، قم، دفتر نشر معارف.
- حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۹ق، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، امیر.
- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۹، *رساله اجوبه الاستفتانات*، چ دوم، تهران، پیام عدالت.
- خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۶ق، *صراط النجاة (المحشى للخوائی)*، قم، منتخب.
- دفتر تبلیغات اسلامی خراسان، ۱۳۸۷، *خمس چالش‌ها و راهکارها*، چ دوم، قم، بوستان کتاب.
- رستمی، محمدزمان و محمدهادی رستمی، ۱۳۹۴، «پیشنهادهایی برای بسط و جایگزینی نظام مالیاتی اسلام»، *مطالعات اقتصادی اسلامی*، ش ۱۵، ص ۷-۲۶.
- رضایی دوانی، مجید و علی اکبر خادمی جامخانه، ۱۳۹۰، «اصلاح ساختار و بسط پایه‌های مالیاتی در تطبیق با الگوی مالیات‌های اسلامی با تأکید بر مالیات بر عایدی سرمایه»، *مالیات*، ش ۵۹، ص ۱۲۱-۱۴۰.
- رضایی دوانی، مجید و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی تطبیقی مالیات بر مجموع درآمد و خمس»، *مالیات*، ش ۶۴، ص ۹۳-۱۱۴.
- رضایی، محمدقاسم و محبوبه سبزو، ۱۳۹۱، «ارائه الگویی برای پذیرش خمس به‌عنوان بخشی از مالیات بر درآمد»، *مالیات*، ش ۶۳، ص ۱۲۵-۱۵۲.
- زنجانی، فیاض‌الدین و سحین جعفری زنجانی، ۱۳۸۰، *ذخائر الامامه فی الخمس*، قم، آل عبا.
- شعبانی، احمد و عبدالحمید کاشیان، ۱۳۹۵(الف)، «طراحی سازوکار ورود خمس و زکات به نظام مالیاتی ایران و آثار بالقوه اقتصادی آن»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱۶، ص ۳۹-۷۴.
- _____، ۱۳۹۵(ب)، *هندسه منابع و مصارف مالی اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- شعبانی، احمد و علی اکبر کریمی، ۱۳۹۴، «بررسی مقایسه‌ای مفهوم شأن در الگوی مصرف فرد مسلمان و نظریه مصرف متظاهران»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱۴، ص ۱۰۷-۱۵۵.
- صدر، سیدکاظم و محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۱، «اقتراح: آیا نظام مالیاتی ایران، اسلامی است؟»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۷، ص ۹-۱۸.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۹۳، *اقتصاد ما*، ترجمه سیدمحمد مهدی برهانی و سیدابوالقاسم حسینی ژرفا، قم، پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم، ۱۳۸۲، *غایة التصوی فی ترجمه عروة الوثقی*، ترجمه عباس قمی، قم، صبح پیروزی.
- طباطبایی بروجردی، آقا حسین، ۱۳۸۰ق، *زبدة المقال فی خمس الرسول و الال*، قم، چاپخانه علمیه.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۶۳، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، مرتضوی.
- علم‌الهدی، سیدمرتضی، ۱۴۱۰ق، *رسائل المرتضی*، تحقیق سیداحمد حسینی، قم، دارالقرآن.
- کاشیان، عبدالمحمد و همکاران، ۱۳۹۴، «بررسی دوگان‌های تقدم وجوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آن‌ها با تأکید بر ابعاد حکومتی خمس و زکات در اقتصاد اسلامی ایران»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۱۲، ص ۱۲۹-۱۵۰.
- کیاءالحسینی، سیدضیاءالدین و همکاران، ۱۳۹۶، «مقایسه درجه تصاعد و عدالت مالیاتی خمس ارباب مکاسب با مالیات بر درآمد در ایران (۱۳۷۸-۹۱)»، *مالیات*، ش ۳۴، ص ۶۶-۱۰۲.
- کیاءالحسینی، سیدضیاءالدین، ۱۳۹۰، «ملاحظات پیاده سازی مالیات‌های اسلامی»، *مالیات*، ش ۵۹، ص ۱۴۱-۱۷۲.
- کیخا، مهدی و محسن رزمی، ۱۳۹۱، «تعلق خمس به حاکم اسلامی»، *فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی*، ش ۳۴، ص ۱۲۱-۱۴۶.

گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی، ۱۳۷۹ (الف)، امکان جایگزینی مالیات بر درآمد با خمس و تبیین آثار آن بر برخی متغیرهای کلان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.

_____، ۱۳۷۹ (ب)، «تحلیل مقایسه‌ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران»، *تحقیقات اقتصادی*، ۵۷، ص ۱۸۹-۲۲۸.

مفید، محمدبن محمد نعمان، ۱۳۷۴ (ق)، *المقنعه*، قم، انتشارات اسلامی.

مکی عاملی (شهید اول)، محمدبن جمال‌الدین، ۱۹۸۲، *اللمعة الدمشقیة*، تصحیح سیدمحمد کلاتر، بیروت، دار إحياء التراث العربی. منتظری، حسینعلی، ۱۳۶۳، *کتاب الخمس والانفال*، قم، انتشارات اسلامی.

_____، ۱۳۶۷، *مبانی فقهی حکومت اسلامی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة*، ترجمه محمود صلواتی، تهران، کیهان. موحدی بکنظر، مهدی و محمدجواد رضائی، ۱۳۹۱، «ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی (دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه)»، *مالیات*، ش ۶۳، ص ۱۵۳-۱۷۳.

موسوی خمینی، سیدروح اله، ۱۴۲۳ (ق)، *ولایت فقیه*، چ دوازدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. _____، ۱۳۶۳، *کشف الاسرار*، بی‌جا، بی‌نا.

_____، ۱۳۷۹، *بیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____، بی‌تا، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مؤمن، محمد، ۱۳۸۰، «رابطه خمس و زکات با مالیات‌های حکومتی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲، ص ۲۱-۳۲.

نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۵، *جواهر الکلام*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، ۱۳۸۳، *بحوث فی الفقه: کتاب الخمس*، چ دوم، قم، دائرة المعارف الفقه الاسلامی.

یزدی، محمد، ۱۳۷۷، «متولی سهم امام»، *فقه اهل بیت*، ش ۱۴، ص ۳-۵۲.

Adam, Stuart & et al, 2011, *Tax By Design, The Mirrlees Review*, Institute for Fiscal Studies, Oxford university press.

Elkins, David, 2006, "Horizontal Equity as a Principle of Tax Theory", *Yale Law & Policy Review*, Vol. 24, <http://digitalcommons.law.yale.edu/ylpr/vol24/iss1/3>.

Gruber, J, 2013, *Public Finance and Public Policy*, Fourth Edition, New York, Worth Publishers.

Hindriks, Jean and D. Myles, Gareth, 2013, *Intermediate Public Economics*, Second Edition.